



متوجه نیستند که ادامه ی سیاست غلبه به وسیله ی ایجاد خوف، نهایتاً در نقطه ای به ضد خود تبدیل و آنگاه آمدن "روز خشم" و روزهای غضب ملی اجتناب ناپذیر می شود. فراغته معمولاً زمانی صدای ملت را می شنوند که بسیار دیر شده است. میرحسین موسوی

سخن سبز  
سازمان تبلیغات  
تکثیر و  
کثیر  
کثیر

مجید توکلی در ۱۶ آذر ۱۳۸۸ پس از خروج از دانشگاه امیرکبیر بازداشت شد. توکلی در ۳۰ دی ۱۳۸۸ از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی به جرم اجتماع و تبانی علیه نظام، تبلیغ علیه نظام، توهین به رهبری و توهین به ریاست جمهوری به هشت سال و شش ماه حبس تعزیری، ۵ سال محرومیت از فعالیت سیاسی و ۵ سال ممنوعیت از خروج از کشور محکوم شد

رویداد

**خطر از دست دادن کلیه حسین رونقی ملکی بعلت عفونت شدید**  
علی رغم وخامت حال جسمی حسین رونقی ملکی به دلیل عفونت شدید کلیه مسئولین زندان اوین و دادستانی تهران حاضر به درمان این زندانی نیستند. جعفری دولت آبادی با مرخصی استعلاجی این زندانی مخالفت کرده و درخواست خانواده وی مبنی بر ملاقات حضوری با وی را نیز قبول نکرده است. دادستانی تهران و مسئولین زندان اوین در حالی با مداوای این زندانی در بیمارستان خارج از زندان مخالفت می کنند که مسئولین بهداری زندان با انجام آزمایشات پزشکی از بزرگ شدن یکی از کلیه های این زندانی به دلیل عفونت شدید خبر داده اند که در صورت عدم رسیدگی مناسب و مداوم پزشکی احتمال از دست دادن کلیه این زندانی وجود دارد.

**سال حبس تعلیقی و جزای نقدی ۱۸ برای دانشجویان و استادان دانشگاه**

پیش از این نزدیک به ۲۰ تن از فعالین دانشجویی این دانشگاه با احکام اخراج و تعلیق، از تحصیل محروم شده بودند، اما در یکی از تازه ترین برخوردهای صورت گرفته با فعالین این دانشگاه، ۴ فعال دانشجویی و ۲ استاد این دانشگاه، در مجموع به ۱۸ سال حبس تعلیقی و جزای نقدی بدل از شلاق محکوم شده اند. محاکمه این افراد در مرداد ماه امسال در شعبه ۱۰۳ دادگاه قزوین به صورت «دسته جمعی» و به اتهام «خلال در نظم عمومی، از طریق برگزاری و شرکت در تجمعات و راه پیمایی های اعتراضی در خرداد ماه سال ۸۸ و توهین به مسئولین» صورت گرفته بود که به تازگی احکام آن صادر گشته است

**دلیل ترس اقتدارگرایان از انتخابات آزاد؟**

پرسش: یک از شبهات اقتدارگرایان به انتخابات آزاد احتمال تصدی پست های حساس کشور توسط افراد نامناسب و بیگانه با آرمان های ارزش ها است شما در این باره چه نظری دارید؟ (پاسخ ها به صورت خلاصه منتشر شده است، متن کامل را در تحول سبز مطالعه فرمائید) پاسخ مصطفی تا زاده:  
(۱)- در ایامی که مردم با اقدام تاریخی و شعار «رأی من کو؟» پرده ضخیم نظارت نظامی- استصوابی را از صندوق آرا کنار زدند و قدرت خود را به نمایش جهانیان گذاشتند، چشمان من نیز در زندان بر گوشه دیگری از این پرده گشوده شد. به این ترتیب که یکی از بازجوها درباره ضرورت حد و مرزی که انتخابات در جمهوری اسلامی ایران نباید فراتر از آن برود سخن می گفت و معترضان از من پرسید اگر انتخابات آن طور که تو می گویی صد در صد آزاد برگزار شود و یک بهایی از دل صندوق آرا درآید، باز هم از انتخابات آزاد دفاع می کنی؟ در آن صورت چگونه می توانی مدعی حمایت از نظام شوی؟ در پاسخ گفتم اول اینکه اگر بعد از ۳۰ سال حاکمیت جمهوری اسلامی، در یک انتخابات آزاد یک بهایی رأی بیاورد وای بر من و تو که نتوانسته ایم رضایت اکثریت این ملت را جلب کنیم. در آن صورت به جای زیر سؤال بردن تصمیم و رأی اکثریت مردم، باید از خود بیرسیم مگر ما در این ۳۰ سال با ملت چه کرد ایم که اکثریتشان حاضر نیستند به یک نامزد مسلمان رأی دهند؟ حال آن که مردم در زمان شاه یک مرجع تقلید شیعه را از کنج تبعید برکشیدند و در قلوب خود جای دادند. اکنون کار به جایی رسیده است که مقام بازجوی حافظ نظام از احتمال انتخاب یک بهایی در یک انتخابات آزاد می ترسد؟ سپس گفتم همین سؤال و نگرانی تو اعتراف به شکست همه از جمله خود شماست و نمی توان دلیلی واضح تر از این بر ناکامی جمهوری اسلامی ایران اقامه کرد. بگذریم از اینکه ادعا و در واقع ترس فوق هیچ نسبتی با ادعای ۲۴ میلیونی آرای آقای احمدی نژاد ندارد. اگر واقعاً وی می تواند بیش از ۵۰ درصد آرای واجدان شرایط را به دست آورد، چه ترسی از رقابت با هر نامزد دیگر وجود دارد؟ اگر بعد از ۳۰ سال عملکرد ما کار را به جایی رسانده است که به قول شما از احتمال رأی آوردن یک بهایی باید ترسید، مطلقاً باید گفت تداوم همان مدیریت برای چند سال دیگر، منجر به رأی آوردن بیشتر یک «بهایی» خواهد شد! بنابراین اساس این منطق غلط است و نه احتمال یا عدم احتمال روی کار آمدن یک بهایی در یک انتخابات آزاد. به باور من اصل مسأله این است که حزب پادگانی شهامت پذیرش خطا را ندارد و تفاوت اصلی ما و مدعیان حفظ نظام به شیوه نظامی این است. خدا را سپاسگزاریم که به ما شهامت پذیرش خطا را عطا نمود و این نیست مگر اجر پیوند و اتصال با خلق خدا و حساس بودن و هشیاری در قبال انتقادات و اعتراضات مردم. دقیقاً به دلیل همین پیوند و شهامت، یعنی پذیرش اصل خطاپذیری و تن نهادن به پاسخگویی در قبال ملت است که ما هرگز نگرانی هایی من درآوردی از قبیل رییس جمهور شدن یک فرد بهایی را نداریم. این قبیل سوءظن ها در قبال خواست ملت محصول زندگی در یک محیط بسته و در محافل درون گروهی است که به دنبال خود، اتخاذ روش های قییم مآبانه علیه ملت را می آورد و توهم برگزیده بودن گروه خودی و شیطانی بودن جامعه غیر خودی را پوششی «دینی» و «خدایی» می دهد. سبزه ها به دلیل تمرین در یک محیط باز و بکران اجتماعی و به دلیل گشوده بودن بر انتقادات مردم و لذت بردن از بمباران سؤال و اعتراض دلسوزانه ملت هرگز دچار آن ترس نیستند که حزب پادگانی را به محاصره درآورده است.

(۲)- شبهاتی که بازجویی من علیه انتخابات آزاد وارد می کرد یک بار دیگر و به گونه ای دیگر تفاوت بین تعریف و شناخت من از نظام جمهوری اسلامی ایران با «نظام» مورد نظر نظامیان مداخله گر در سیاست را به نمایش می گذاشت؛ نظامیانی که با زیر پا گذاشتن وصیت نامه امام خمینی، تهاجم نه چندان خرنده خود را به منظور تسخیر عرصه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور آغاز کرد اند، هرگز نمی توانند «جمهوری اسلامی ایران» را با همه ابعاد اسلامی، ایرانی و جمهوریاتی آن به طور یک جا تصور کنند. تصویر آ ها از «نظام» که غالباً به همین شکل مبهم «نظام» تلفظ می کنند و نمی توانند به طور مشخص هر سه وجه جمهوری اسلامی ایران را به سادگی بر زبان جاری کنند، در واقع یک «پادگان» گسترش یافته به سپهر جامعه است و همه ترس ها و سوء ظن ها در قبال آزادی به خاطر مقاومتی است که اکثریت شهروندان در قبال پادگانی سازی سیاست، فرهنگ و اقتصاد از خود نشان می دهند. جمهوری اسلامی ایران البته پیش از پادگان و دستگاه بازجویی و شعبات قضایی و اقتصادی و سیاسی و تبلیغاتی حزب پادگانی است.

(۳)- حقیقت این است که نفس حضور من و امثال من در زندان و نفس واکنش سرکوبگرانه در قبال مطالبه مردم برای شفاف سازی آرایش و برپایی انتخابات آزاد و قانونی، حاکی از آن است که ترس اصلی حزب پادگانی رأی آوردن مفروض یک بهایی نیست، بلکه آنان نظام برخاسته از انقلاب و استمرار یافته در ۲۷ سال ماقبل خودشان را بیگانه با اهداف پادگانی خود می بینند و به همین سبب از بهایی- صهیونیستی نمایاندن جنبش مردمی و حتی نخست وزیر امام ابایی ندارند. سوءظن در قبال انتخابات آزاد و در قبال ماهیت رأی مردم، یک سوءظن فرضی و معطوف به آینده فرضی نیست، بلکه این سوءظن بنیادی است که نفس صندوق و انتخاب آزادانه مردم را نشانه گرفته است. به همین دلیل نه فقط می کوشند فرزندان انقلاب و امام را از گردونه رقابت های انتخاباتی حذف کنند، بلکه تلاش وافر می بذول می دارند تا آنان را به جرم تلاش برای شرکت در انتخابات و اصلاح مدیریت کشور در زندان ها حبس کنند. این حربه ای نخ نماست که در همه رژیم ها کم و بیش به کار می رود که هدف از ایجاد محدودیت ترس از به قدرت رسیدن کسانی می خوانند که اکثریت مردم علاقت و سلیقه آنان را نمی پسندند، اما در واقع اشخاصی را از حکومت حذف یا در جامعه سرکوب می کنند که همان اکثریت خواهان حضور آنان در عرصه مدیریت مبین و جامعه مدنی هستند.

**فخرالسادات محتشمی پور: مرتکبین ظلم ها و منکرات اخیر را به خدای مظلومان وامی گذاریم**

فخرالسادات محتشمی پور هفتمین نامه سرگشاده خود را به رئیس قوه قضائیه منتشر کرد. به گزارش تحول سبز، محتشمی پور در بخشی از هفتمین نامه خود به آیت الله صادق لاریجانی آورده است: جناب آقای لاریجانی! از شما پرسش دارم که آیا مطالبه حقوق قانونی در کشور اسلامی ما که می رود تا برای سی و دومین بار پیروزی انقلابش را جشن بگیرد، چنان جرم بزرگی است که تاوان آن این قسم اعمال غیرانسانی است؟ شما در مقام قاضی القضاة و با تکیه بر کرسی قضاوت علوی بفرمایید ما از این همه بی عدالتی باید به کجا شکایت بریم و دادخواهی کنیم؟ بفرمایید که اگر دختر گرامی شما به تاوان حق طلبی و عدالت جویی پدر و حفاظتش از آرمان های مقدس انقلاب در شب سالگرد ازدواج والدین پایبند به ارزش های انقلابی شان به بهانه ای واهی بازداشت و به اداره منکرات منتقل می شد و شب و روزی را با طبقه ای پست از نسلوان که البته حاصل سوء مدیریت مسئولین در سامان دهی اوضاع اجتماعی کشورمان هستند، به سر می برد، چه احساسی داشتید؟ محتشمی پور در بخش دیگری از این نامه آورده است: فراموش نکنید که عمر آدمی به سان برق و باد سپری می شود و در محکمه عدل الهی و در بارگاه حضرت حق ذره ذره اعمال مورد پرسش و سنجش قرار می گیرند. آیا شما و دست اندرکاران امر قضا برای همه این بی عدالتی ها که بر ما می رود، پاسخ های خویش را آماده کرده اید؟ اگر این پاسخ ها امروز نزد بندگان صالح خدا پذیرفتنی باشد خالق هستی نیز آن ها را خواهد پذیرفت اما افسوس که این بی اعتنائی ها و بی جواب گذاشتن های پرسش های مکرر ما و مطالبه حقوقمان نشان از روزهای سختی دارد که خطاکاران در روز جزا خواهند داشت. و ما مظلومانه باز هم مرتکبین ظلم ها و منکرات اخیر را به خدای مظلومان وامی گذاریم چرا که در این دنیا دستمان از دادخواهی در دادگاهی صالح کوتاه است.

**اصولگرایی یا دروغگرایی؟**

وسایتهای مدعی اصولگرایی در چند روز اخیر دست به شایعات بی اساس و گاه خنده داری علیه مهدی کروبی دست زده اند، که بیش از هر چیز بیانگر معنا و مفهوم اصولگرایی از سوی این گروه است. این وسایتهای که از بیت المل تغذیه می شوند تمام همت خود را به کار بسته اند تا هر روز با انتشاری خبری کذب، به ظاهر چهره هایی چون مهدی کروبی را تخریب کنند اما در واقع انتشار این خبرها بیش از آنکه موجب وارد شدن خدشه به چهره چنین افرادی شود، تیشه ای است که ریشه اصولگرایی را نشانه رفته است و دست این مدعیان را در پیش چشم مردم بیشتر باز میکند. به گزارش سحام نیوز، انتشار اخبار کذبی چون بستری شدن کروبی در بیمارستان، برخورد مردم با وی هنگام مراجعه به بهشت زهرا و موضوع خنده دارتری چون خروج اسناد طبقه بندی شده از پشت قاب عکس وی در دفتر جماران آنهم از سوی سه نفر! بیش از هر چیز نمایانگر ترس و وحشت این وسایتهای و گردانندگان پشت پرده این اخبار است. آنچه میتوان از انتشار این دست اخبار استنباط کرد نگرانی از محبوبیت کاندیداهای به ظاهر شکست خورده در انتخابات ریاست جمهوری اخیر در میان مردم است. مردمی که در زیر سایه ارباب در روز بیست و پنجم خرداد حماسه بزرگی را به نمایش گذاشتند و با حضور سه میلیونی خود در خیابانهای تهران نشان دادند که شصت و سه درصد دروغی بزرگی است انباشه بر دروغهای دیگر. از سوی دیگر این گروه با اینکه ادعا میکنند که کار جنبش سبز به پایان رسیده است، هر روز با تولید دروغی تازه نشان میدهد که بازگردانان پشت پرده این وسایتهای به خوبی میدانند این سخن گفتن از پایان کار جنبش مردمی سبز هم دروغی دیگر است.

میر خیر